

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

درس اول علوم و فنون ادبی ۱

نام دبیر: محراب شاهی

سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۴۰۱

نام آموزشگاه: شهید رحمانی (متوسطه دوم)

شهرستان شهریار - شهر وحیدیه

سوال ۱- متن را تعریف کنید. با ذکر یک مثال.

۱) هر چیزی که ذهن ما را به پویایی درآورد، « متن » است. به بیان دیگر، هنگامی که از متن، سخن می‌گوییم، خواست ما فقط نوشته‌های روی کاغذ کتاب نیست؛ صدایی که می‌شنویم، بویی که حس می‌کنیم، رویدادی که می‌بینیم، مز‌های که می‌چشیم و چیزی که لمس می‌کنیم، هر کدام، متن به شمار می‌آیند؛ بنابراین، متن‌ها شنیداری، بویایی، دیداری و... هستند؛ ۱) برای نمونه، **کتابها معمولاً متنهای دیداری به شمار می‌آیند؛ اگر خوانده شوند، به آنها متنهای شنیداری یا خوانداری می‌گوییم.** در این کتاب مقصود ما از متن، آثار شعر و نثر فارسی است. برای شناخت و ارزیابی متون، لازم است معیارهایی طراحی گردد و روش کار، بیان شود. یکی از آسانترین و کاربردی‌ترین شیوه‌ها این است که متن از سه دیدگاه زبان، ادبیات و فکر؛ یعنی در سه قلمرو بررسی شود:

- زبانی
- ادبی
- فکری

سوال ۲- متون و آثار مکتوب ادبی به چند بخش تقسیم می‌شوند؟ نام ببرید

۲) در یک نگاه کلی، متون یا آثار مکتوب ادبی را به دو بخش، تقسیم می‌کنیم.  
الف) شعر      ب) نثر ۲

در این درس، به نمونه‌های متن‌های شعری می‌پردازیم و به گونه‌ای عملی تلاش می‌کنیم و نمونه‌های شعری را بررسی می‌نماییم. بنابراین در بررسی و تحلیل متن باید نکات زیر را مورد توجه قرار دهیم:

- خوانش؛
- شناسایی و استخراج نکات زبانی؛
- شناسایی و استخراج نکات ادبی؛
- شناسایی و استخراج نکات فکری؛
- نتیجه‌گیری و تعیین نوع

### ۱. خوانش شعر

**خواندن دقیق متن، نخستین گام مؤثر در رویارویی با متون است؛ البته پیش از خوانش، نگاهی کلی به متن از آغاز تا انجام برای کشف لحن و آهنگ، ضروری است.** پس از شناسایی لحن مناسب با حال و هوای محتوای اثر، خواندن اتفاق می‌افتد. پس لازم است تمام اثر، یک باره و بی‌گسست، خوانده شود تا درک ارتباط طولی و فهم محتوایی دچار اختلال نشود. شعر زیر را که لحن روایی داستانی دارد، با هم می‌خوانیم.

به دام افتاد روباهی سحرگاه      به روبه‌بازی اندیشید در راه  
که گر صیاد ببند هم چنینم      دهد حالی به گازر پوستینم

پس آن‌گه، مُرده کرد او خویشتن را  
 ز بِن بُرید حالی گوش او لیک  
 چه صیّاد آمد، او را مرده پنداشت  
 به دل، روباه گفتا: ترکِ غم گیر  
 یکی دیگر بیامد، گفت: این دم  
 زبانش را بُرید آن مرد، ناگاه  
 زیم جان، فرو افکند تن را  
 نمی یارست روبه را کم انگاشت  
 که گوش او به کار آید مرا نیک  
 چه زنده مانده ای، ی ک گوش، کم گیر  
 زبان او به کار آید مرا هم  
 نکرد از بیم جان، یک ناله روباه  
 به کار آید همی دندان او نیز  
 به سختی چند دندانش بکنند  
 نه دندان باش و نه گوش و زبانم  
 دل روبه، که رنجی را به کارست  
 جهان بر چشم او شد تیره، آنگاه  
 کنون باید به کارم حیلَه سازی  
 بجست از دام، همچون از کمان، تیر  
 که در عالم، حدیثش در گرفته است  
 حدیث دل، حدیثی بس شگفت است

الهی نامه، عطار نیشابوری

## ۲. شناسایی و استخراج نکات زبانی

پس از خوانش دقیق شعر، نکات برجسته قلمرو زبانی آن را شناسایی می‌کنیم؛ برخی از نکات زبانی شعر خوانده شده، عبارت اند از:

- وجود واژگان کهن؛ مانند «گازر»، «نمی یارست»
- کمی واژگان غیر فارسی؛
- کاربرد شبکه معنایی؛ مانند «حیلَه، دستان، تزویر، دام» و «دل، زبان، گوش و دندان»؛
- ترکیب سازی؛ مانند «روبه بازی»، «حیلَه سازی»؛
- کاربردهای تاریخی دستور: «مُرده کرد»، «نمی یارست ... کم انگاشت»، «به کار آید همی»؛
- زبان شعر ساده و جمله ها کوتاه است: مانند «به دام افتاد روباهی سحرگاه»، «به روبه بازی اندیشید در راه»
- بیشتر واژگان شعر، ساختمان ساده دارند: مانند «دام، روباه، صیّاد، گازر، گوش، دل، زبان و...»

### ۳- شناسایی و استخراج نکات ادبی :

در این مرحله، عینک زیبایی شناسی به چشم می‌زنیم و شعر را یک بار دیگر بررسی می‌کنیم و به نکات ادبی زیر، دست می‌یابیم:

- از قرار گرفتن قافیه در پایان هر دو مصراع یک بیت، می‌فهمیم که قالب شعر « مثنوی » است.
- « ترک غم گرفتن » ، « دم زدن » و « جهان بر چشم او شد تیره » کنایه است.
- « بجزت از دام، همچون از کمان، تیر » تشبیه و مراعات نظیر دارد.
- و.....

### ۴- شناسایی و استخراج نکات فکری

از مقایسه اجزای بدن (گوش، زبان و دندان) با «دل» و برتری دادن دل به همه اجزا در این شعر، به این نکته پی می‌بریم که شاعر «دل» را جایگاهی با اهمیت می‌داند و به همین سبب می‌گوید: « با دل نیست بازی » و بعد از این در بیت پایانی، نتیجه‌گیری عرفانی شاعر آشکار می‌شود. این شعر اگرچه ظاهری ساده و داستانی دارد، پایان بندی و نتیجه‌گیری شاعر، بیانگر ذهن خلاق اوست که یک نکته عمیق معرفتی درباره ارزش و جایگاه دل را این گونه در قالب داستان « روباه و شکارچی » گنجانده است تا بگوید که همه چیز وجود ما دل است و گران بهایی دل، به سبب این است که خانه و جایگاه خداوند است.

### ۵. نتیجه‌گیری و تعیین نوع

- شعر، ظاهری ساده، محسوس و عینی دارد اما نتیجه‌گیری پایانی، مفهومی ذهنی و معنوی است.
  - با توجه به، حکمت و معرفتی که در شعر نهفته است و شاعر برای بیان آن، از ظرف داستانی بهره گرفته است، در مجموع، این شعر را در رده ادبیات تعلیمی می‌توان جای داد.
- نکاتی را که در ارزیابی متن شعر به کار گرفته ایم، برای بررسی متن نثر نیز مورد توجه قرار می‌دهیم. با این توضیح که ابتدا با آramش، متن را که به ما داده شده یک بار از نظر می‌گذرانیم. شاید بتوان این مرحله را مرحله چشم خوانی نامید. پس از چشم خوانی گام‌های زیر را در بررسی و تحلیل متن نثر برمی‌داریم.

### (متن زیر و تمام نکات استخراجی از آن بسیار مهم است)

#### ۱. خوانش متن

اکنون متن زیر را با توجه به توضیحات درس و آموخته‌های پیشین، با دقت می‌خوانیم. برای استخراج نکات مهم بهتر است از آغاز، کاغذ و قلمتان را آماده کنید تا به موقع، واژه‌ها یا جمله‌های ویژه را نشانه‌گذاری و یادداشت نمایید. « چون بشناختم که آدمی، شریفتر خلاق است و قدر ایام عمر خویش نمی‌داند، در شگفت افتادم و چون نیک بنگریستم؛ دریافتم که مانع آن، راحت اندک و نیاز حقیر است که مردمان بدان، مبتلا گشته اند. هرکه به امور دنیایی رو آورد واز سعادت آخرت خود غفلت کند، همچون آن مرد است که از پیش اشترمست بگریخت و به ضرورت، خویشتن در چاهی آویخت و دست دردو شاخ زد که بر بالای آن روئیده بود و پاهایش بر جایی قرار گرفت. در این میان، بهتر بنگریست، هر دو پای، بر سر چهار مار بود که سر از سوراخ، بیرون گذاشته بودند. نظر بر قعر چاه افکند، از دهایی سهمناک دید؛ دهان گشاده و افتادن او را انتظار می‌کرد. به سر چاه، التفات نمود. موشان سیاه و سپید، بیخ آن شاخها دایم می‌بریدند و او در اثنای این، تدبیری می‌اندیشید و خلاص خود را طریقی می‌جست. پیش خویش، زنبورخانه‌ای و قدری شهد یافت، چیزی از آن به لب برد، از نوعی در حلاوت آن مشغول گشت که از کار خود غافل ماند و نه اندیشید که پای او بر سر چهار مار است و نتوان دانست که کدام وقت در حرکت آیند، و موشان در بریدن شاخها، جد بلوغ می‌نمایند و ...، چندانکه شاخ بگسست و آن بیچاره حریص در دهان ازدها افتاد.

پس، من دنیا را بدان چاه پُر آفت، مانند کردم و موشان سپید و سیاه و مداومت ایشان بر بریدن شاخها بر شب و روز، و آن چهار مار را به طبایع که عماد خلقت آدمی است و هرگاه که یکی از آن در حرکت آید، زهر قاتل باشد، و چشیدن شهد و شیرینی آن را مانند کردم به لذات این جهانی که فایده آن، اندک و رنج آن، بسیار است، و راه نجات بر آدمی، بسته می گرداند، و ازدها را مانند کردم به مرجعی که از آن، چاره نتواند بود؛ هرآینه بدو باید پیوست و آنگاه ندامت، سود ندارد و راه بازگشتن مهیا نیست. «

کلیله و دمنه، باب برزویه طبیب، با اندک تغییر و تلخیص

## ۲- شناسایی و استخراج نکات زبانی

برخی از نکات برجسته قلمرو زبانی متن عبارت اند از:

- **کاربردهای کهن و واژگان** که امروزه، به گون های دیگر به کار گرفته می شوند: اشتر، شاخ، بنگریست، نتوان دانست؛
- جمع کلمه « موش » با نشانه « ان »
- به کارگیری کلمه « بگسست » در معنی « بریده شد، شکست »
- به کارگیری « شهد » در معنی « عسل »
- کاربرد کلمه « قاتل » در معنی کُشنده برای غیر انسان ؛
- **جدانویسی نشانه منفی ساز فعل** « ن » : « نه اندیشید » که امروزه می نویسیم: نیندیشید؛
- کاربرد « را » به معنی « برای » در جمله: « خلاص خود را طریقی می جست ؛ »
- ترکیب « زنبورخانه » به معنی « لانه زنبور » ، جالب توجه است ؛
- بیشتر جمله ها در این نمونه، کوتاه و قابل فهم هستند.

## ۳. شناسایی و استخراج نکات ادبی

- **شبکه معنایی** میان « شهد، شیرینی، چشیدن، زنبور و حلاوت »
- **تضاد** میان دو واژه « سیاه و سفید » ، « پا و سر » و « سر و قعر » در ترکیب « سر چاه و قعر چاه » ، « زهر و شیرینی یا شهد » ، « رنج و لذت » ، « اندک و بسیار »
- بهره گیری از **تمثیل** برای بیان مفهوم غفلت انسان ؛

#### ۴. شناسایی و استخراج نکات فکری

در این حکایت، نگرش حکمی و تعلیمی، برجسته است. نویسنده برای بیان مقصود خود؛ یعنی بهره‌گیری از گذر عمر برای سعادت آن جهانی، در جایگاه اندرز، خطاب به خواننده، چند نکته را یادآور می‌شود:

- شریف بودن انسان در میان مخلوقات؛
- گرانبها بودن لحظات عمر؛
- هوشیاری و پرهیز از خوشی‌های زودگذر.

می‌بینیم که این حکایت از یک سو، به جایگاه و ارزش انسان، نگاهی مثبت و خوش‌بینانه دارد و از سوی دیگر نسبت به خوشی‌های مادی و لذت‌های زودگذر، نگرش منفی دارد.

#### ۵. نتیجه‌گیری و تعیین نوع

نویسنده، این فکر را به خواننده، انتقال می‌دهد که:

- نسبت به جایگاه انسان، نگاه خوش‌بینانه و والایی داشته باشد؛
- قدر لحظه لحظه عمر خویش را بداند؛
- هوشیاری خود را حفظ کند و آن قدر سرگرم خوشی‌های دنیایی نشود که گرفتار غفلت گردد؛
- سعادت و نیک‌بختی راستین، کسب خشنودی خدای بزرگ است.

بر پایه بررسی‌های انجام شده و تأکید درون‌مایه اثر، این نوشته را نمونه‌ای از متن تعلیمی یا اندرزی می‌توان به‌شمار آورد.

## ۱- مفهوم «متن» را با ذکر دو مثال توضیح دهید؟ ++++

هر چیزی که ذهن ما را به بویایی در آورد متن است. در این کتاب مقصود ما از متن، آثار شعر و نثر فارسی است. برای نمونه کتاب‌ها معمولاً متن دیداری هستند و اگر خوانده شوند به آن‌ها متن‌های شنیداری یا خوانداری می‌گویند. صداهایی که می‌شنویم (شنیداری) بویی که حس می‌کنیم (بویایی) مزه‌ای که می‌چشیم (چشایی) و... نیز متن محسوب می‌شوند.

## ۲- یکی از آسانترین و کاربردی‌ترین شیوه‌ها در بررسی و تحلیل متن چیست؟

متن از سه دیدگاه زبان، ادبیات و فکر یعنی در سه قلمرو بررسی شود: زبانی، ادبی، فکری.

## ۳- با توجه به قلمرو فکری، دیدگاه خود را درباره‌ی محتوا و موضوع سروده زیر بنویسید.

آب را گل نکنیم

در فرودست انگار، کفتری می‌خورد آب

یا که در بیشه دور، سیره‌ای پر می‌شوید

یا در آبادی، کوزه‌ای پُر می‌گردد

آب را گل نکنیم

شاید این آب روان می‌رود پای سپیداری تا فرو شويد اندوه دلی؛

دست درویشی شاید، نان خشکیده فرو برده در آب...

«سهراب سپهری»

این متن عرفانی است و سپهری با کمک گرفتن از طبیعت و با دیدگاه عرفانی، تلاش می‌کند مهربانی و دوستی را میان همه‌ی پدیده‌های هستی مطرح کند. شاعر خوش بین است و خوشبینی را القا می‌کند. آب تمثیلی است برای تمام زندگی، و گل نماد نادرستی است. روح بزرگ سپهری در این سروده مشهود است.

## ۴- در خوانش شعر زیر، به چه نکاتی باید توجه کرد؟

\* نهنگی بچه خود را چه خوش گفت به دین ما حرام آمد کرانه

به موج آویز و از ساحل بیرهیز همه دریاست ما را آشیانه

«اقبال لاهوری»

خوانش درست شعر (چشم خوانی) با هدف کشف لحن شعر، یکباره خواندن شعر بدون گسست، پس از خواندن شعر متوجه می‌شویم لحن خواندن این شعر، روایی داستانی است زیرا یک داستان کوتاه، با مفهوم تلاش و کوشش و دوری از سستی است که شاعر آن را به خواننده انتقال می‌دهد. در ابتدا متن به آهنگ نرم و ملایم خوانده می‌شود و در ادامه به تناسب فضای داستان و شخصیت‌ها، از لحن‌های دیگر بهره می‌جوید.

## ۵- سروده زیر را بخوانید و با توجه به قلمرو ادبی «کنایه، تشبیه، تشخیص، مثل و مراعات نظیر» را شناسایی کنید.

\* هر که زین گلشن لبی خندان تر از گل بایدش خاطری فارغ ز عالم چون توکل بایدش

خُرده‌ای از مال دنیا در بساط هر که هست جبهه‌ی وا کرده‌ای پیوسته چون گل بایدش

هر که می‌خواهد که از سنجیده‌گفتاران شود بر زبان، بند گرانی از تأمل بایدش

صبر بر جور فلک کن تا بر آبی رو سفید دانه چون در آسیا افتد تحمّل بایدش

قطره‌آبی که دارد در نظر گوهر شدن از کنار ابر، تا دریا تنزل بایدش «صائب تبریزی»

بیت اول: چون توکل تشبیه - لب خندان گل تشخیص - گل و گلشن مراعات نظیر

بیت دوم: تشبیه جبهه (پیشانی) به گل - جبهه وا کردن: کنایه از گشاده رویی

بیت سوم: بند گران به زبان داشتن کنایه از سکوت کردن

بیت چهارم: روسفید شدن کنایه - فلک تشخیص - مصرع دوم: ضرب المثل

بیت پنجم: قطره آب، ابر، دریا: مراعات نظیر - قطره آبی که دارد در نظر: تشخیص

۶- با توجه به متن زیر، به پرسش ها پاسخ دهید

شنیدم که خلیفه‌ای خوابی دید، بر آن جمله که پنداشتی که همه دندان‌های او بیرون افتادی به یک بار. بامداد، خوابگزاری را بخواند و پرسید که: «تعبیر این خواب چیست؟»

مُعَبَّر گفت: «زندگانی امیر، دراز باد، همه اقربای تو پیش از تو بمیرند، چنان که کس از تو باز نماند.»

خلیفه گفت: «این مرد را صد چوب بزنی؛ چرا بدین دردناکی سخن اندر روی من بگفت؟! چه اگر همه اقربای من پیش از من بمیرند، پس آن گاه، من که باشم؟!» خوابگزاری دیگر بیاوردند. همین خواب با وی بگفت.

خوابگزار گفت: «بدین خواب که امیر گفت، دلیل کند که خداوند، دراز زندگانی‌تر از همه اقربای خویش بود.»

خلیفه گفت: «تعبیر از آن بیرون نشد (سخن همان است)؛ اما از عبارت تا عبارت، بسیار فرق است؛ این مرد را صد دینار بدهید.»

قابوسی نامه

الف دو ویژگی زبانی را استخراج کنید.

۱- کاربرد «ی» استمراری در آخر فعل به جای «می» استمراری در اول فعل «پنداشتی می پنداشت

۲- کاربرد دستور تاریخی نمونه کاربرد «اندر» به جای «در»

۳- استفاده از واژه ی عربی «اقربا» به جای نزدیکان

۴- سادگی و روانی جملات ۵- کاربرد جمله های کوتاه: خوابگزاری دیگر بیاوردند

ب- چه عاملی سبب شد خلیفه، رفتاری متفاوت با دو خوابگزار داشته باشد؟

تفاوت در شیوه ی بیان، توجه به موقعیت و مقتضای سخن، انتخاب و گزینش کلمات و اصل بلاغت موجب شد خلیفه از دو گفته، برداشت هایی متفاوت داشته باشد.

۷- حکایت زیر را بخوانید و آن را از دید قلمرو ادبی و فکری، بررسی کنید.



\*روزی شخصی پیش بهلول، بی ادبی نمود. بهلول او را ملامت کرد که چرا شرط ادب به جا نیاوردی؟ او گفت: چه کنم؟ آب و گل مرا چنین سرشته اند.

گفت: آب و گل تو را نیکو سرشته اند، اما لگد کم خورده است «لطایف الطوائف»

**قلمرو ادبی:** آب و گل مراعات نظیر/ بی ادب، ادب: تضاد/ آب و گل مجاز از وجود انسان/ بهلول: تلمیح/ آب و گل تو را نیک سرشته اند... ضرب المثل

**قلمرو فکری:** نویسنده در قالب طنز می گوید سرشت همه انسان هانیکو آفریده شده است و فقط تربیت موجب برتری و تفاوت انسان ها می شود. به اهمیت تربیت درست اشاره کرده است و با نگرش تعلیمی و اندرزی تلاش می کند بی ادبی را نکوهش کند.

مدرسه ادب و فنون  
مدرسه ادب و فنون  
مدرسه ادب و فنون